

الگوی بین‌المللی شدن آموزش عالی از منظر سیاست فرهنگی

محمد نیک‌بین^{۱*}، غلامرضا ذاکر صالحی^۲، رضا ماحوزی^۳

۱- دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۲- دانشیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران

۳- استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

چکیده

بین‌المللی شدن آموزش عالی یکی از موضوعاتی است که توجه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در ایران را به خود جلب کرده است. آنها در تلاش هستند با اتخاذ تدابیر و سیاست‌هایی، از مزایا و امتیازات این روند برای توسعه ظرفیت‌های علمی خود استفاده نمایند. هم‌اکنون از منظرهای مختلفی این موضوع مورد توجه سیاست‌گذاران عرصه نظام آموزشی کشور قرار دارد. هدف این مقاله ارائه الگویی است که بین‌المللی شدن را به عنوان یک سیاست فرهنگی مورد توجه قرار می‌دهد. برای حصول این هدف، از روش تحقیق کیفی از نوع توصیفی-اکتشافی استفاده شده است. جامعه پژوهش شامل مدیران بین‌الملل دانشگاه‌ها و صاحب‌نظران حوزه بین‌المللی شدن آموزش عالی کشور بوده است که با استفاده از روش نمونه‌گیری راهبردی و هدفمند، سیزده نفر به عنوان مشارکت‌کنندگان در پژوهش انتخاب شدند. ابزار پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و روش تحلیل داده‌ها هم تحلیل محتوای استقرایی از نوع تحلیل مضامین بوده است. برای اطمینان از روایی داده‌های پژوهش، از دو روش بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان و بازبینی توسط اساتید و متخصصان آموزش عالی استفاده شد. نهایتاً از ۱۳۰ کد باز استخراج شده از مصاحبه‌ها، مطالعه الگویی چهاربُعدی را بازنمایی می‌کند که ابعاد آن عبارتند از: مقوله حکمرانی، محیط بین‌الملل، محیط داخلی (فرهنگ ملی) و همچنین دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی که برای هر مورد می‌بایست سیاست‌های مناسبی اتخاذ شود.

کلیدواژه‌ها: آموزش عالی، بین‌المللی شدن، سیاست‌گذاری، سیاست فرهنگی

برای استنادات بعدی به این مقاله، قالب زیر به نویسندگان محترم مقالات پیشنهاد می‌شود:

Nikbin, M., Zaker-salehi, G., & Mahozi, R. (2017). **The Model of Internationalization of Higher Education from Cultural Policy Perspective.** *Journal of Science & Technology Policy*, 9(3), 45-60. {In Persian}.

۱- مقدمه

نمود پدیده پیچیده جهانی شدن در آموزش عالی، در حقیقت تلاشی برای بخشیدن وجهه و تصویری بین‌المللی به دانشگاه‌ها است. از این منظر، بارزترین ویژگی‌های نظام آموزشی مطلوب برای آینده، باز بودن و تعامل دائمی آن با محیط بین‌المللی و توجه به ضرورت‌ها، نیازها، مطالبات و شرایط محیطی آینده است.

اگر چه بین‌المللی شدن مفهوم جدیدی نیست ولی کاربرد آن در آموزش عالی طی سال‌های اخیر اتفاق افتاده است [۱].

در حوزه آموزش عالی با تمایز بین جهانی شدن و بین‌المللی

آموزش عالی نقش مهمی در توسعه شخصیتی افراد دارد و همگام شدن این موضوع با توسعه پیشرفت اطلاعات و ارتباطات تغییرات عمده‌ای را در روابط فرهنگی بین‌المللی ایجاد کرده که از نمونه‌های آن می‌توان به «بین‌المللی شدن»^۱ آموزش عالی اشاره کرد. بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها به عنوان

DOI: 10.22034/jstp.2017.9.3.537785

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: m.mikbin66@gmail.com

1- Internationalization

حال حاضر بر بین‌المللی شدن آموزش عالی اثر می‌گذارند، لزوماً با نیازهای ملی توسعه و مدرن‌سازی سازگار نبوده و با گشودن مرزهای آموزشی، انگیزه‌های اقتصادی و توسعه آموزشی را در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهند [۷]. در حقیقت آموزش عالی جهانی شده می‌تواند منجر به تغییر شکل و حتی تخریب سیستم ارزش‌های یک کشور، تغییر در اصول اخلاقی و سقوط بنای ایده‌های جامعه شود [۸]. کشورهای شرقی با دردها و دغدغه‌های خاص محلی خود مواجه هستند که آنها را می‌توان دردهای مضاعف آموزش عالی این کشورها هم نامید [۹]. شاید بتوان بحث فرهنگ و هویت ملی که از عناصر کلیدی بین‌المللی شدن آموزش عالی است را مشکل آموزش عالی کشورهای در حال توسعه دانست. تقلید صرف و غیرکارشناسی در بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری داشته باشد که نتیجه آن در آینده بر نهاد دانشگاه و دانش‌آموختگان آن نمود می‌یابد.

بین‌المللی شدن آموزش عالی توسط کشورهای جهان از منظرهای مختلفی نگرین شده و هر کشور تلاش داشته از آن به عنوان سیاست یا ابزاری برای رسیدن به منافع ملی خود استفاده کند. این نگاه‌های مختلف شامل سیاست آموزشی؛ سیاست خارجی؛ سیاست علم، فناوری و نوآوری؛ سیاست اقتصادی و به تازگی هم «سیاست فرهنگی»^۲ است. نگرین به بین‌المللی شدن آموزش عالی از بُعد سیاست فرهنگی به این معنی نیست که کشورها به عوامل فرهنگی-اجتماعی آن بی‌تفاوت هستند بلکه به معنی آن است که حداقلی از کشورها به آن به عنوان سیاست فرهنگی صرف توجه دارند [۱۰]. در واقع نگاه به بین‌المللی شدن از بُعد سیاست فرهنگی موضوعی است که در نتیجه انباشت تجربیات کشورهای مختلف در این زمینه وارد پیشینه بین‌المللی شدن آموزش عالی شده و این انباشت تجربیات در حد ایجاد این ذهنیت بوده که نمی‌توان بدون در نظر گرفتن مسائل فرهنگی و هویتی خود وارد عرصه بین‌المللی شدن آموزش عالی شد.

کشورهای مختلف در راهبردهایی که برای بین‌المللی شدن دانشگاه‌های خود طرح‌ریزی کرده‌اند تلاش داشته‌اند از منظر سیاست فرهنگی تصریحاً یا تلویحاً به بین‌المللی شدن نگاه کنند. برای نمونه می‌توان به کشور آلمان اشاره کرد که

شدن می‌توان گفت که جهانی شدن به عنوان یک روند خواه عمدی و خواه طبیعی شناخته می‌شود که مسیر خود را می‌رود و بین‌المللی شدن به عنوان یک کنش انتخابی تلقی می‌شود که چالش‌های جهانی شدن را به فرصت تبدیل می‌کند. بین‌المللی شدن دامنه وسیعی از تفسیرها، تعاریف و کاربردها را دربرمی‌گیرد. از یک طرف ممکن است به عنوان یک طیف در نظر گرفته شود که در انتهای یک سوی آن بین‌المللی شدن محدود و نمادین است که انعکاس آن وجود تعدادی دانشجوی خارجی از چند کشور در پردیس دانشگاهی است. در انتهای طرف دیگر آن طیف گسترده اما بین‌المللی شدن به عنوان فرآیندی نیروافزا و دگرگون‌کننده، مفهوم‌سازی می‌شود که بر برنامه‌های پژوهشی و درسی و همچنین نقش و فعالیت‌های تمام بازیگران دانشگاه (شامل دانشکده، دانشجو و کارمند) اثر می‌گذارد [۲]. بین‌المللی شدن در تعریف دوم به مانند یک فرآیند مورد توجه قرار می‌گیرد که بر کلیه نهادها و ساختارهای دانشگاه اثرگذار است.

در بسیاری کشورها بین‌المللی شدن نه به عنوان یک هدف که به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهدافی بزرگ‌تر مانند بهبود کیفیت، بازسازی و ترفیع سیستم و خدمات آموزش عالی در نظر گرفته می‌شود [۳]. کشورها دلایل متفاوتی برای ورود به بحث بین‌المللی شدن دارند. دو ویت^۱ دلایل بین‌المللی شدن آموزش عالی را «سیاسی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و دانشگاهی» می‌داند [۴]. در پروژه‌ای که تحت عنوان «پاسخ نهادهای آموزش عالی به اروپایی شدن، بین‌المللی شدن و جهانی شدن در اروپا» انجام و سیاست‌های ملی ده کشور برتر اروپا را در زمینه بین‌المللی شدن آموزش عالی مورد ارزیابی قرار داد مشخص شد که دلایل عمده آنها از ورود به این بحث، بیشتر اقتصادی بوده است. در واقع نیروی غالب برای پیگیری سیاست‌های بین‌المللی شدن آموزش عالی در اروپا، انگیزه‌های اقتصادی است [۵]. جنبه‌ای که نه تنها در اروپا مورد توجه بوده بلکه تمام کشورها به آن توجه دارند و اهداف اقتصادی و کسب درآمد، اولویت اصلی آنها برای ورود به این مسیر می‌باشد.

مطالبی که در خصوص بین‌المللی شدن آموزش عالی وجود دارد بیشتر از زاویه نگاه غربی‌ها است [۶] و نیروهایی که در

باعث شده مسئله بین‌المللی شدن آموزش در ایران مسئله‌ای چالش‌برانگیز باشد و به راحتی نتوان آن استانداردهایی که به طور عام برای بین‌المللی شدن ذکر می‌شود را پیاده کرد. بررسی اسناد بالادستی نشانگر آن است که توجه به بُعد بین‌المللی در فعالیت‌ها و خدمات آموزشی، پژوهشی و مشاوره‌ای دانشگاه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. این تأکید ناظر بر اراده سیاسی در سطح قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری برای بین‌المللی شدن آموزش عالی کشور است. همکاری‌های بین‌المللی، پروژه‌ها و پژوهش‌های مشترک بین‌المللی، مهارت‌های ارتباطی و پژوهشی، فرصت‌های مطالعاتی و تبادل دانشجو مؤلفه‌هایی هستند که در اسناد بیشترین توجه و تأکید بر آنها شده است [۱۵]. در اسناد بالادستی صریحاً راهبردی برای بین‌المللی شدن آموزش عالی دانشگاه‌های کشور بیان نشده و تنها به ذکر مؤلفه‌هایی از بین‌المللی شدن بدون ارائه برنامه‌ای عملی برای اجرای آن اکتفاء شده که این باعث شده حرکت به سمت بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران بیشتر امری غیرکارشناسانه و هیجانی به نظر آید. این شتاب‌زدگی بدون بررسی همه‌جانبه ابعاد منجر به این شد که دانشگاه‌های ما امروز تنها عنوان بین‌المللی شدن را یدک می‌کشند. شاید بتوان اولین نمونه عملی در مسیر بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران را تأسیس دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین نام برد. اما پس از گذشت سال‌ها از راه‌اندازی این دانشگاه هنوز بسیاری از مفاد اساسنامه آن اجرایی نشده و تنها درصد اندکی از دانشجویان این دانشگاه دانشجویان بین‌المللی هستند. دانشجویان مذکور دوره شش‌ماه‌ای را برای یادگیری زبان فارسی طی می‌کنند [۱۶]. در واقع این دانشگاه از مسیر اصلی خود منحرف شده و به سمت کژکارکردی حرکت کرده است. از نمونه‌های دیگر فعال در این حوزه می‌توان به جامعه‌المصطفی اشاره کرد که در رشته‌های مختلف علوم انسانی با رویکرد اسلامی فعال است. حوزه فعالیت این دانشگاه در داخل و خارج کشور است که ۲۰ مرکز آن در داخل و ۸۰ مرکز دیگر در ۸۰ کشور دنیا فعال است. از مردان و زنان مذاهب و ملل مختلف دانشجو می‌پذیرد و اجرای طرح‌های پژوهشی مشترک، برگزاری همایش‌ها، تشکیل قطب‌های پژوهشی و همچنین تشکیل مراکز پژوهشی در داخل و خارج کشور از جمله فعالیت‌های آن است [۱۷].

صاحب‌نظران این حوزه، این کشور را از جمله کشورهایی می‌دانند که به بین‌المللی شدن از منظر سیاست فرهنگی توجه داشته است [۱۱]. در راهبردهای بین‌المللی شدن که در سال ۲۰۰۸ توسط دولت فدرال آلمان تصویب شد بر نقش فرهنگ و اهمیت آن به خصوص در ارتباط با همکاری علمی با کشورهای در حال توسعه تأکید شده است [۱۲]. کشور دیگری که می‌توان در این زمینه از آن نام برد چین است. مؤسسه کنفوسیوس^۱ در سال ۲۰۱۴، حدود ۴۷۵ شعبه در ۱۲۶ کشور جهان داشته است. گرچه در اساسنامه این مؤسسه ترویج زبان و فرهنگ چینی و هم‌سازی با تنوع فرهنگی جهانی مطرح شده اما یکی از مهم‌ترین وظیفه آن بین‌المللی شدن آموزش عالی چین است [۱۳]. در ژاپن بین‌المللی شدن به عنوان عاملی کلیدی در برابر چالش‌های جهانی شدن پذیرفته شده است. ژاپنی‌ها از دهه ۱۹۸۰ تلاش کردند پذیرش دانشجوی خارجی و برنامه تبادل دانشجو را گسترش دهند اما وجود نگرش و پارادایم‌های فرهنگی به عنوان مانعی در مسیر بین‌المللی شدن آموزش عالی، آنها را به سمت برنامه جت^۲ برای حل مشکلات فرهنگی موجود برد. این برنامه با هدف افزایش فهم دوجانبه بین مردم ژاپن و دیگر ملت‌ها و هم‌زمان با گسترش بین‌المللی شدن در شهرهای ژاپن آغاز شد. ژاپن طبق برنامه جت در سه بخش از شرکت‌کننده‌های کشورهای خارجی استفاده می‌کند: کمک‌معلم زبان^۳، هماهنگ‌کننده روابط بین‌الملل^۴ و مشاور مبادلات ورزشی^۵. علی‌رغم اینکه شرکت‌کنندگان با یکی از سه عنوان ذکر شده در این برنامه مشارکت دارند اما هدف مشترک هر سه گروه فوق‌الذکر، تعامل با اجتماعات محلی ژاپن برای ترویج بین‌المللی شدن در سطح محلی است [۱۴].

نهاد آموزش عالی در ایران اهمیت ویژه‌ای دارد به طوری که رهبران و سیاست‌گذاران ضمن اذعان به اهمیت این نهاد علمی و نیاز به تربیت نیروی انسانی تحصیل‌کرده، آن را نه به عنوان نهادی صرفاً علمی بلکه بخشی از فرآیندهای سیاسی و مکان مناسبی برای آموزش‌های ایدئولوژیک می‌دانند. در چنین شرایطی خواسته یا ناخواسته فرآیندهای جهانی شدن

1- Confucius Institute
2- Japan Exchange and Teaching (JET)
3- Assistant Language Teacher
4- Coordinator for International Relation
5- Sport Exchange Advisor

نیست و این سیاست‌ها باید در گستره‌ای فراملی تعریف شوند [۲۱]. سیاست فرهنگی، سیاستی است که در مقام و قامت فرهنگ جلوه می‌کند و جنس آن از نوع هویت‌یابی (کنشگران) و هویت‌سازی (ساختار) است. سیاست فرهنگی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: سیاست فرهنگی صریح و سیاست ضمنی. سیاست فرهنگی صریح سیاستی است که حکومت آن را از طریق ادارات رسمی انجام می‌دهد. سیاست‌های ضمنی تأثیری سازنده بر اقدامات فرهنگ ملی شامل آموزش، رسانه، صنایع و سیاست خارجی دارند [۲۲].

سیاست‌های فرهنگی در نظام آموزش عالی و محیط‌های علمی در پی ادراک مأموریت‌ها، ارزش‌ها و مسئله‌های قدرت در حوزه فرهنگی و چگونگی اعمال آنها در فضای دانشگاه و در چارچوب نقش‌ها و کارکردهای نظام علمی و آموزش عالی است [۲۳]. در جوامعی مانند ایران که به دنبال ایده‌ها و آرمان‌های والا و حفظ فرهنگ ارزشی موجود است سیاست‌های فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد به گونه‌ای که می‌توان گفت با حل مسائل فرهنگی ناشی از بین‌المللی شدن آموزش عالی، می‌توان روند بین‌المللی شدن آموزش عالی در کشور را هم تسریع بخشید.

بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران را نمی‌توان به صورت تکه‌ای جدا از یک پازل نگاه کرد. واقعیات موجود این را بیان می‌کنند که با شرایط یک دانشگاه بین‌المللی فاصله زیادی داریم. فقدان وجود هدف و تعریف بین‌المللی شدن؛ فقدان وجود یک استراتژی مدون در مقایسه با دیگر کشورها؛ خلاء سیاستی و بی‌عملی [۱۶]؛ عدم کفایت پشتیبانی مالی و لجستیکی؛ وجود نگاه‌های متأثر از سیاست به همکاری‌های علمی بین‌المللی؛ نبود چارچوب تشکیلاتی، نیروی انسانی و امکانات متناسب با وظایف محوله [۲۴]؛ موانع متعدد قانونی و سیاسی و همچنین شرایط فرهنگی-اجتماعی باعث شده این فرآیند در ایران به طور کامل محقق نشود. بین‌المللی شدن، یک نوع باز شدن و انتقال فرهنگ‌های مختلف است و طبعاً کشوری که در این زمینه گام برمی‌دارد باید آمادگی فرهنگی لازم آن را هم داشته باشد که این موضوع با توجه به ویژگی‌های خاص و حساسیت‌هایی که بر روی آموزش عالی کشور وجود دارد بر پیچیدگی بحث می‌افزاید.

آنچه به عنوان مسئله این پژوهش مطرح می‌شود این است که

مقوله بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران مقوله‌ای پیچیده و چندوجهی است که کل نظام آموزش عالی و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اگر ایران نتواند از آن به عنوان یک فرصت استفاده کند این می‌تواند راه دستیابی به توسعه علمی را دشوارتر کرده و تهدیدی برای آینده محسوب شود. باید اهداف حکومت در حوزه بین‌المللی شدن با توجه به قدرت اقتصادی و سیاسی، موقعیت جغرافیایی، فرهنگ غالب، کیفیت سیستم آموزشی و همچنین تجربیات گذشته مشخص شود [۱۸]. همان‌طور که تاکنون به صورتی پراکنده سیاست‌هایی برای بین‌المللی شدن آموزش عالی اتخاذ شده نیاز است که این سیاست‌ها شکلی منسجم و هدفمند به خود گیرند.

بین‌المللی شدن آموزش عالی منجر به بازاندیشی در نقش‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی و همچنین ترکیب آن در نظام ملی آموزش عالی می‌شود [۱۹]. در کنار توجه به ابعاد علمی، اقتصادی و سیاسی و نیز بهره‌مندی از مزایای احتمالی بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران، توجه به حفظ هویت فرهنگی دانشگاه‌ها و همچنین بسترسازی مناسب برای اشاعه فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی و جلوگیری از بروز بحران هویت ملی باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. آنچه در این زمینه مورد بحث سیاست‌گذاران کشور است جنبه فرهنگی بین‌المللی شدن آموزش عالی است. جنبه‌ای که فهم آن از وقوع تضاد بین فرآیندها، ساختارها و اولویت‌های نهادی موجود و نوظهور جلوگیری می‌کند [۲۰].

اثرات فرهنگی ره‌آورد بین‌المللی شدن، با توجه به ویژگی و نقش آموزش عالی در جامعه ایران بیش از پیش بُعد فرهنگی بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران را برجسته می‌کند. برای نمونه در زمینه تبادلات دانشجویی به عنوان یکی از مؤلفه‌های بین‌المللی شدن، الگویی که بیشتر مورد تأکید سیاست‌گذاران مربوطه قرار گرفته الگوی فرهنگی است. به این معنی که در مقوله جذب و اعزام دانشجویان، فرهنگ به عنوان شاخصی مهم در نظر گرفته شده است.

بین‌المللی شدن بر سیاست فرهنگی کشورها تأثیرات قابل توجهی دارد به نحوی که برخی از آن سیاست‌ها را غیرمفید و حتی غیرقابل اجرا می‌کند. در نتیجه به واسطه گسترش وسایل اطلاعاتی و رسانه‌های مدرن و همچنین تبادلات فرهنگی، تعقیب اهداف سیاست فرهنگی در قلمرو ملی مطلوب و میسر

در ایران چگونه در چارچوب سیاست فرهنگی قابل بررسی است؟ به عبارت دیگر، چگونه در قالب سیاست فرهنگی، بین‌المللی شدن آموزش عالی الگوسازی می‌شود؟ هدف پژوهش، دستیابی به یک چارچوب مفهومی تفصیلی برای بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در کشور به مثابه سیاست فرهنگی و کمک فکری به دانشگاه‌های کشور برای ورود به فرآیند بین‌المللی شدن آموزش عالی با تأکید بر عوامل فرهنگی است.

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر یک مطالعه کاربردی و از نوع توصیفی-اکتشافی است. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل تماتیک (مضامین)^۱ انجام شده است. تحلیل تماتیک می‌تواند یک تحلیل درون‌بینی که به سؤالات خاص پاسخ دهد را فراهم کند. از سوی دیگر این روش با تسهیل بررسی داده‌های مصاحبه‌ها، از دو جهت سؤالات تحقیق را کامل می‌کند: از منظر بهره‌گیری از داده‌ها، که مبتنی بر کدگذاری با روشی استقرایی است و همچنین از منظر سؤالات تحقیق، که داده‌ها را بازبینی و در صورتی که هماهنگ با سؤالات باشد اطلاعات اضافی را تکمیل می‌کند.

نمونه انتخابی این پژوهش هم شامل سیزده نفر از صاحب‌نظران و مدیران بین‌المللی دانشگاه‌ها بوده که به صورت هدفمند انتخاب شده بودند.

۴-۱ نمونه انتخاب شده

داده‌های این مطالعه از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته (شامل ۱۶ پرسش) با سیزده نفر از مدیران بین‌المللی دانشگاه‌های شهر تهران، جامعه‌المصطفی و دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) جمع‌آوری شده است. انتخاب شهر تهران به دلیل وجود دانشگاه‌های بزرگ و معتبر که از نظر بین‌المللی وضعیت بهتری دارند بوده است. در کنار دانشگاه‌های مستقر در شهر تهران، دو دانشگاه یادشده در قم و قزوین، حجم زیادی از دانشجویان بین‌المللی ایران را به خود اختصاص داده‌اند. ۱۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان، عضو هیأت‌علمی و ۳ نفر هم غیرهیأت‌علمی بوده‌اند. همچنین ۱۰ نفر مرد و ۳ نفر زن و ۹ نفر از آنها دارای مدرک دکتری بوده‌اند. همگی

از یک طرف ورود به فرآیند بین‌المللی شدن آموزش عالی ضرورتی است که دیر یا زود باید در مسیر آن گام برداشت چنان که شاهدیم برخی مؤلفه‌های آن در اسناد بالادستی اشاره شده و نوعی اراده سیاسی هم با توجه به شرایط جدید بین‌المللی کشور برای ورود به این فرآیند وجود دارد. اما از سوی دیگر کارکرد دانشگاه و آموزش عالی در کشور ما و تأثیر آن بر جامعه، حرکتی لاک‌پشتی را نشان می‌دهد. راه‌حلی که برای این مسئله بر مبنای بررسی‌های صورت‌گرفته به نظر می‌آید آن است که به بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران به مثابه یک سیاست فرهنگی نگریسته شود به این معنی که با توجه به نگاه غالب فرهنگی حاکمیت به آموزش عالی، بتوان در قالب سیاست فرهنگی با شناسایی مسائل و موانع فرهنگی موجود در این راه، زیرساخت فرهنگی بین‌المللی شدن را کسب و در چارچوب یک سیاست فرهنگی نیز ابعاد پذیرش و حل تضادهای بین‌المللی شدن برای رسیدن به توسعه علمی را امکان‌پذیر در کشورمان کنیم.

۲- پیشینه پژوهش

بین‌المللی شدن آموزش عالی مفهومی است که از دهه ۱۹۹۰ وارد پیشینه این حوزه شده و صاحب‌نظران، اساتید و دانشجویان به واکاوی آن پرداخته و سعی در بیان ابعاد آن برای توسعه علمی کشور خود داشته‌اند. در مورد کشورمان به واسطه شرایط خاصی چون مذهب، فرهنگ، سیاست‌های خاص بین‌المللی، ماهیت انقلابی و نیز خوی ضداستکباری انقلاب اسلامی اجرای این فرآیند با چالش‌های فراوانی به خصوص از منظر فرهنگی همراه بوده است. متأسفانه پژوهش عمیقی در رابطه با این چالش‌ها و احیاناً راهکارهای عملیاتی و سیاستی مواجهه با آنها صورت نگرفته است. این در حالی است که به اقتضای شرایط جهانی می‌بایست در توسعه علمی از کشورهای دیگر عقب‌نمانیم و بنابراین باید در این زمینه از لحاظ فرهنگی به یک سیاست عملیاتی دست یابیم. در جدول ۱ نمونه‌هایی از مطالعات خارجی و در جدول ۲ هم برخی پژوهش‌های داخلی مرتبط با این موضوع ارائه شده‌اند.

۳- اهداف و سؤالات پژوهش

سؤال اصلی مقاله، این است که بین‌المللی شدن آموزش عالی

جدول ۱) نمونه‌هایی از مطالعات خارجی مرتبط با بین‌المللی شدن آموزش عالی

پژوهشگر	سال	یافته‌ها
لامبی و فوسکت ^۱ [۲۵]	۲۰۱۵	بین‌المللی شدن و تغییر فرهنگ، مربوط به منازعه قدرت است. آنها دو دیدگاه را در رابطه با بین‌المللی شدن و فرهنگ ارائه کرده‌اند: نخست، تنجاس و دوم، پذیرش تفاوت و تنوع یا عدم همگنی. در این دسته‌بندی چهار نوع نگاه قابل بررسی است: بین‌المللی شدن یعنی اینکه دانشجویان خارجی را جذب کنیم تا فرهنگ کشور میزبان را بفهمند؛ بین‌المللی شدن تبادل فرهنگی است که تفاوت فرهنگی در آن مورد تأکید و ارزشمند است؛ بین‌المللی شدن یعنی مشارکت همه در فرهنگ همگن شده جهانی؛ بین‌المللی شدن شامل گروهی می‌شود که معیارهای شهروند جهانی را دارند با فرهنگی مشترک.
سمیر ^۲ [۸]	۲۰۱۵	مدل‌های غربی بین‌المللی شدن آموزش عالی دو اثر دارند که امنیت فرهنگی را به خطر می‌اندازند: اول، آنها مناسب قرار گرفتن در مکان دیگر نیستند و اغلب ساختارهای بومی را مختل می‌کنند و دوم، از توسعه یک مدل صحیح محلی و منطقه‌ای مبتنی بر ارزش‌ها و روابط در این جوامع (از جمله ارزش‌های مذهبی، مفهوم اقتدار و رهبری و اعمال اقتصادی و سیاسی مرتبط) جلوگیری می‌کنند.
یانگ ^۳ [۲۶]	۲۰۰۳	با بررسی هفده مؤسسه آموزش عالی چنین بیان داشته که فهم بین‌المللی شدن به طور خاص، متکی بر محیط اجتماعی-فرهنگی است.
بارتل ^۴ [۲]	۲۰۰۲	فرهنگ دانشگاهی و ساختار کارکردی دانشگاه می‌تواند مانع راهبردهای مورد استفاده در بین‌المللی شدن دانشگاه شده و یا آنها را تسهیل کند. برای اینکه بین‌المللی شدن مؤثر باشد کشورها فرهنگ داخلی خود را با اهداف و راهبردهای جهانی شدن هم‌تراز و هم‌سو می‌کنند.
آگنو و وانبالکوم ^۵ [۲۰]	۲۰۰۹	هدف اصلی درک فرهنگ در بحث بین‌المللی شدن این است که از وقوع تضاد بین فرآیندها و ساختارها و اولویت‌های نهادی موجود و نوظهور جلوگیری شود. آنها مدلی تحت عنوان مدل آمادگی فرهنگی را برای بین‌المللی شدن ارائه می‌کنند که از سه سطح دانشکده و دانشجویان (خرد)؛ مأموریت، دیدگاه و مدیران دانشگاه (میانی) و حکومت ملی (کلان) تشکیل شده است.
پروجلر ^۶ [۲۷]	۲۰۱۴	با بررسی دانشجویان خارجی‌ای که با زمینه فرهنگی به منطقه آسیا-اقیانوسیه می‌آیند دانشگاه را به مثابه آزمایشگاهی زنده می‌داند که در آن می‌توان با رویکردی یکپارچه و بین‌درسی به مقوله تدریس، به تعامل فرهنگی دست یافت.
دو ویت و برادنبرگ ^۷ [۲۸]	۲۰۱۵	باید از مفهوم دگم و آرمان‌گرایانه بین‌المللی شدن فراتر برویم و به معنای خالص آن توجه کنیم. برای این امر باید در نگاه فعلی به بین‌المللی شدن آموزش عالی تجدیدنظر کرده و آن را مجدداً بازتعریف نمود.
چان و دیموک ^۸ [۲۹]	۲۰۰۸	آنها با بررسی مدل بین‌المللی شدن در دو دانشگاه، اولی در بریتانیا که از مدل بین‌المللی‌گرا و دومی در هنگ‌کنگ که از مدل فرامحلی پیروی می‌کرده‌اند ضمن ارائه مدلی تحت عنوان جهان‌گرا، به این نتیجه رسیدند که دانشگاه‌ها و حکومت‌ها باید شرایط محیطی فرهنگی را برای اتخاذ استراتژی بین‌المللی شدن بکار برند.
استیر ^۹ [۳۰]	۲۰۰۶	بین‌المللی شدن آموزش عالی بیشتر، رویکردهای تعلیم‌محوری را طلب می‌کند که از تجربیات گروه‌های دانشجویی چندفرهنگی بهره برده و به دستیابی صلاحیت بین‌فرهنگی توسط دانشجویان کمک کنند. وی معتقد است ایدئولوژی‌های متضاد یا واگرا، بین‌المللی شدن آموزش عالی را هدایت می‌کند.

۴-۲ نحوه گردآوری و تحلیل داده‌ها

روش تحلیل داده‌ها روش تحلیل محتوای استقرایی بوده است. به این صورت که پس از انجام مصاحبه‌ها، پژوهشگر اقدام به پیاده‌سازی مصاحبه‌های ضبط‌شده و سپس شناسایی کدها به صورتی کاملاً باز و بدون هیچگونه محدودیتی نمود. در مرحله اول کدگذاری باز، ۱۳۰ کد باز استخراج شد. در مرحله بعد با مقایسه مکرر کدهای باز استخراج‌شده در مرحله اول و همچنین مراجعه به مصاحبه‌ها و بازبینی آنها، تعداد کدهای باز به دست آمده پس از حذف کدهای تکراری به ۱۶ کد رسید. نهایتاً با توجه به ماهیت ۱۶ کد به دست آمده از

مصاحبه‌شوندگان از خبرگان موضوع بین‌المللی شدن آموزش عالی می‌باشند که تجربه‌های نسبتاً طولانی در این زمینه دارند. این پژوهش چهار مرحله زیر را مبنای عمل خود برای تحلیل مضامین قرار داد: (۱) آشنایی با داده‌ها؛ (۲) کدگذاری داده‌ها؛ (۳) گسترش داده‌ها و (۴) بازبینی.

- 1- Lumby & Foskett
- 2- Samier
- 3- Qiang
- 4- Bartell
- 5- Agnew & Vanbalkom
- 6- Proglar
- 7- DeWit & Bradenburg
- 8- Chan & Dimmock
- 9- Stier

جدول ۲) نمونه‌هایی از مطالعات مرتبط با بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران

پژوهشگر	سال	یافته‌ها
ذاکر صالحی [۳۱]	۱۳۹۳	وی ضمن بیان شش آموزه نظری مختلف، آموزش چندفرهنگی و تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را مطرح نموده است.
دهاقانی و لیاقت‌پور [۳۲]	۱۳۹۰	بین‌المللی‌سازی و بومی شدن، دو رویکرد مهم احیاء تفکر اسلامی در نظام علمی-فرهنگی جهان است. با توجه به اهمیت بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها در ایران برای رشد علمی کشور از یک سو و بومی‌سازی برنامه‌های درسی از سوی دیگر، باید این دو موضوع را در کنار یکدیگر نگریست و بهره لازم را برد چرا که این دو پاسخ به تهدیدات جهانی شدن و مقابله‌ای شایسته با پیامدهای سیاست‌های فرهنگی جامعه جهانی است.
مرشدی و خلج [۳۳]	۱۳۹۲	سیاست‌های فرهنگی در آموزش عالی، تابعی از منطق کلی سیاست‌های فرهنگی نظام می‌باشد که بین‌الگوهای وحدت فرهنگی و تکتگرایی فرهنگی در رفت و برگشت بوده است. کارشناسانه نبودن این سیاست‌ها، نگاه تصدی‌گرایانه دولتی و همچنین مداخله نهفته در آنها از مشکلات سیاست‌های فرهنگی آموزش عالی است.
خانیکی [۳۴]	۱۳۸۳	علاوه بر اینکه دانشگاه‌ها را کانون تولید و انتقال اطلاعات علمی دانسته آنها را مهم‌ترین کانون فرهنگ‌پذیری و انتقال و بازتولید ارزش‌های فرهنگی در سطح ملی نیز می‌داند.
نادری و اسماعیل‌نیا [۳۵]	۱۳۹۰	علاوه بر اینکه دولت را مهم‌ترین عامل راهبری بین‌المللی شدن دانسته‌اند وجود یک سیاست‌گذاری راهبردی و ایجاد بستری برای هماهنگی میان بخش‌های مختلف دانشگاه در روند بین‌المللی شدن را ضروری می‌دانند.
فتحی واجارگاه، زارع و یمنی [۳۶]	۱۳۸۸	موانع فرهنگی بین‌المللی کردن برنامه درسی در ایران را در توجه ناکافی به واقعیت وجود هویت‌ها، نژادها، عقاید و فرهنگ‌های مختلف در محیط دانشگاهی و همچنین فراهم نکردن زمینه‌ها و عناصر لازم در آن برنامه‌ها برای پاسخگویی به نیازهای دانشجویان خارجی جهت کسب تجربه‌های فرهنگی و شناساندن فرهنگی خود بیان کرده‌اند.
نظرزاده زارع، پورکریمی و ذاکر صالحی [۳۷]	۱۳۹۵	با ارائه الگوی شایستگی اعضای هیأت علمی در تعاملات بین‌المللی، یکی از مؤلفه‌های مهم را شایستگی میان‌فرهنگی دانسته‌اند که شامل شناخت فرهنگی، خودآگاهی فرهنگی، احترام فرهنگی و رواداری فرهنگی است.
اباصلت خراسانی [۳۸]	۱۳۹۵	راهبردهای ارتباطی، سیاسی، خدماتی و دانشگاهی، نقشی مؤثر در بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران دارد. بین‌المللی‌سازی آموزش عالی پدیده‌ای فراتر از درآمدزایی است. در گسترش بین‌المللی‌سازی آموزش عالی، دلایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اثرگذار بوده است. او از جمله مهم‌ترین مشکلات فرهنگی بین‌المللی‌سازی آموزش عالی را انطباق نداشتن سیاست آن با ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی کشورها می‌داند.

ملی)، حکومت و همچنین دانشگاه (مراکز آموزش عالی).

۱-۵ محیط بین‌الملل

این سطح از چهار مؤلفه محتوایی جهانی شدن و بافتار آن، تعاملات بین‌المللی علمی-فرهنگی، فضای مساعد دیپلماتیک و تصویرسازی فرهنگی علمی تشکیل شده است.

۱-۱-۵ جهانی شدن و بافتار آن

یافته‌های به دست آمده از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد مصاحبه‌شونده‌ها بر این باور بوده‌اند که یکی از عوامل مهمی که باعث شده بحث بین‌المللی شدن آموزش عالی مورد توجه کشورهای مختلف قرار گیرد عامل جهانی شدن و بافتار آن است. مصاحبه‌شونده شماره ۳: «بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها امری ضروری، اجتناب‌ناپذیر و در مجموع بسیار سازنده است. پدیده جهانی شدن به عنوان محتوا و بافتار زندگی اجتماعی امروزه، همه امور از جمله آموزش عالی را تحت تأثیر قرار داده و در آینده نیز روزبه‌روز بیشتر می‌شود».

مرحله دوم کدگذاری باز و ارتباط مفهومی این کدها با یکدیگر به مقوله‌بندی پرداخته شد که در این مرحله ۴ مقوله به دست آمد.

۳-۴ روایی و پایایی داده‌ها

برای حصول اطمینان از اعتبار یافته‌ها (روایی پژوهش)، پژوهشگر پس از تحلیل محتوایی مصاحبه‌ها نتایج به دست آمده را در اختیار اساتید راهنما و مشاور قرار داد تا دیدگاه‌های خود را ارائه کنند. همچنین فهرست کدگذاری‌ها توسط یک نفر از خبرگان مصاحبه‌شونده مورد بازبینی و تجدیدنظر قرار گرفت.

۵- یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها، سیاست فرهنگی در حوزه بین‌المللی شدن آموزش عالی در چهار سطح مورد توجه بوده است: محیط بین‌الملل، محیط داخلی (فرهنگ

۵-۱-۲ تعاملات بین‌المللی علمی-فرهنگی

گسترش تعاملات علمی-فرهنگی با کشورهای دیگر و بالتبع استفاده از تجربیات کشورهای دنیا از مواردی است که مصاحبه‌شونده‌ها به آن اشاره داشتند و معتقد بودند که گسترش این تعاملات، تأثیر سازنده‌ای بر روند بین‌المللی شدن دانشگاه‌های کشور خواهد داشت. مصاحبه‌شونده شماره ۱: «همکاری علمی و فرهنگی با کشورهای دیگر را نباید بدبینانه نگریست بلکه باید توجه داشت که وجود این همکاری‌ها روند بین‌المللی شدن دانشگاه‌های کشور را تسریع و تسهیل می‌کند».

۵-۱-۳ فضای مساعد دیپلماتیک

وجود رابطه دیپلماتیک مناسب میان کشورها از جمله مواردی بوده که مصاحبه‌شونده‌ها بر آن تأکید داشتند. وقتی رابطه کشورها مساعد باشد کشورها در ارتباطات علمی خود محدودیتی نخواهند داشت و به آسانی می‌توانند در چارچوب این فضا روابط علمی-فرهنگی مناسبی داشته باشند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۲: «هر چه قدر در ارتباط با کشورهای دیگر فضای دیپلماتیک و دیپلماسی ما بهتر باشد قطعاً این امر سود فراوانی برای کشور دارد و ما می‌توانیم در این فضای مساعد به فکر توسعه علمی-فرهنگی خود نیز باشیم».

۵-۱-۴ تصویرسازی فرهنگی علمی

مصاحبه‌شونده شماره ۱۳: «ما دیروز یک سری مهمان از سنگال داشتیم و یکی از آنها برای من تعریف می‌کرد که اساساً بعد از اینکه ایران را دیدم دیدگاهم نسبت به ایران عوض شد چون حجم و مسائل تبلیغاتی علیه ایران زیاد است. این یک آفریقایی بود حالا در مورد کشورهای اروپایی و یا کانادا و نیوزیلند و ... این بدتر هم هست. بنابراین من برای اینکه بر فرهنگ ایران‌هراسی غلبه کنم می‌آیم روی بحث ایران‌شناسی و تبادلات فرهنگی یا هر چیز دیگری سرمایه‌گذاری می‌کنم».

۵-۲-۲ محیط داخلی (فرهنگ ملی)

این سطح، از چهار مؤلفه‌های خودآگاهی فرهنگی، شناخت فرهنگی، پذیرش تنوع فرهنگی و همچنین دیگرپذیری و مدارای فرهنگی تشکیل شده است.

۵-۲-۱ خودآگاهی فرهنگی

مصاحبه‌شونده‌ها معتقدند با توجه به اینکه نسخه موجود در

دیگر کشورها برای بین‌المللی شدن آموزش عالی، در کشور ما کارساز نخواهد بود باید بین‌المللی شدن را بر پایه الگوی فرهنگی داخلی خود قرار دهیم که مستلزم نوعی خودآگاهی فرهنگی است. مصاحبه‌شونده شماره ۴: «افراد باید با پشتوانه فرهنگی خودشان وارد گفتگو و تعامل با فرهنگ‌های دیگر شده و دچار خودباختگی نشوند. بایستی آموزش ما در مسیر تربیت نسلی باشد که بتواند با اعتماد به نفس و شناخت دقیق فرهنگ بومی خودش در عرصه بین‌المللی فعالیت کند».

۵-۲-۲ شناخت فرهنگی

مصاحبه‌شونده‌ها معتقد بودند که با شناخت فرهنگی می‌توان زمینه و تصویری که از کشور یا شهروندان آن شکل گرفته را تصحیح و همکاری و تبادلات علمی-فرهنگی را گسترش و شرایط را برای بین‌المللی شدن دانشگاه‌های کشور آماده کرد. مصاحبه‌شونده شماره ۵: «مانع مهم فرهنگی در زمینه بین‌المللی شدن، عدم شناخت فرهنگ کشورهای دیگر و اساتید و دانشجویان در آن کشورهاست. تصوراتی که در مورد زندگی در کشورهای دیگر وجود دارد یا خیلی بیش از حد خوش‌بینانه است یا خیلی بیش از حد بدبینانه».

۵-۲-۳ پذیرش تنوع فرهنگی

مصاحبه‌شونده‌ها معتقد بودند برای بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها باید در سطح جامعه احترام به دیگر فرهنگ‌ها را ترویج داد و مسیر پذیرش آنها را تسهیل کرد. این امر موجب مصونیت فرهنگی می‌شود. مصاحبه‌شونده شماره ۸: «برقراری تنوع فرهنگی یکی از مهم‌ترین مواردی است که باید به آن توجه کرد و برای آن برنامه‌های مختلفی می‌توان ارائه داد که آشنایی با زبان از جمله آنها است».

۵-۲-۴ دیگرپذیری و مدارای فرهنگی

مصاحبه‌شونده‌ها معتقد بودند که بین‌المللی شدن در جامعه‌ای گسترش پیدا می‌کند که اعضای آن جامعه ظرفیت تسامح و مدارای فرهنگی را در خود گسترش داده و به عبارتی دگرپذیر فرهنگ‌های مختلف باشند. مصاحبه‌شونده شماره ۶: «شما یک سری خطوط قرمز دارید که نمی‌توانید در آنها مدارایی داشته باشید ولی در سایر مسائل، قبول کردن اینکه ملل دیگر فرهنگ‌های مختلف دارند و تا آنجا که آن فرهنگ‌ها برای خودشان قابل احترام هستند از طرف ما هم قابل احترام باشد این احترام قائل شدن موجب می‌شود که به

۵-۳-۴ تعهد به بین‌المللی شدن

مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند برای اینکه بین‌المللی شدن به عنوان یک سیاست اجرا شود حکومت باید نسبت به آن تعهد داشته باشد و در اجرای این سیاست ثبات و پایداری داشته باشد. مصاحبه‌شونده شماره ۱۱: «موضوعی که در رابطه با سیاست‌های دولتی می‌توان اشاره داشت این است که در کشور با تغییر دولت‌ها، اولویت‌ها و ضرورت‌های سیاست‌گذاری هم دچار تغییر می‌شوند و ثبات ندارند».

۵-۴-۴ نظام آموزش عالی

این سطح مرکب از چهار مؤلفه ساختار دانشگاه، مدیریت دانشگاه، فرهنگ دانشگاهی و استقلال دانشگاهی است.

۵-۴-۱ ساختار دانشگاه

مصاحبه‌شونده‌ها معتقدند ساختار دانشگاه برای بین‌المللی شدن مناسب نیست و برای اینکه بتوان در این مسیر گام نهاد باید ساختار فعلی تغییر یابد. این ساختار جنبه‌های مختلفی از جمله هماهنگی نهادهای داخل دانشگاه و مصوبات و قوانین را دربرمی‌گیرد. مصاحبه‌شونده شماره ۱۰: «متأسفانه در دانشگاه‌های کشور مصوبات و قوانینی وجود دارند که به عنوان مانعی در برابر بین‌المللی شدن عمل می‌کنند. در این خصوص نیاز به اصلاحات ساختاری وجود دارد و باید ساختار سازمانی که برای بخش‌های بین‌الملل دیده شده اصلاح شود. عمده آنچه در حوزه بین‌الملل دانشگاه‌ها به آن نیاز داریم بخش‌های مطالعاتی است».

۵-۴-۲ مدیریت دانشگاه

مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که مدیریت دانشگاه باید از انعطاف روشی و بینشی برخوردار باشد و برای بین‌المللی شدن، تفکر و تعهد داشته باشد و به آن به عنوان ویتترین دانشگاه نگاه نکند. مصاحبه‌شونده شماره ۴: «بسیاری از مدیران دانشگاه‌های ما نگاه‌شان نسبت به موضوع بین‌المللی شدن، نه عمیق و راهبردی بلکه آماری و ارائه بیان کار در جهت کسب فرصتی برای اینکه خودشان و اساتیدشان بروند خارج و بیایند است».

۵-۴-۳ فرهنگ دانشگاهی

این مؤلفه در واقع از فرهنگ سازمانی دانشگاه تا فرهنگ جامعه دانشگاهی را در نظر دارد و مصاحبه‌شونده‌ها معتقد بودند که باید در دانشگاه‌های کشور یک فرهنگ عمومی

هم نزدیک شویم. وقتی ما توقع داریم دیگران شبیه ما باشند و دست از مدارا و احتیاط‌های خاص برداشته و تهاجمی برخورد می‌کنیم جلوی ارتباطات ما گرفته خواهد شد».

۵-۳-۳ حکومت (حکمرانی)

این سطح از چهار مؤلفه تقسیم کار ملی، گشودگی سیاسی-فرهنگی، انعطاف ساختار مدیریتی و تعهد به بین‌المللی شدن تشکیل شده است.

۵-۳-۱ تقسیم کار ملی

یکی از مواردی که مصاحبه‌شوندگان به آن توجه داشتند بحث تقسیم کار ملی و هماهنگی نهادی است که از درون این مؤلفه استنباط می‌شود. آنها معتقد بودند که موازی‌کاری و عدم هماهنگی باعث ناکارآمدی حکومت در زمینه اتخاذ سیاست‌های مناسب بین‌المللی شدن می‌شود. مصاحبه‌شونده شماره ۹: «همان‌طور که وقتی می‌خواهیم فعالیت‌های یک دانشگاه را بین‌المللی کنیم این امر تنها مربوط به دفتر بین‌الملل آن دانشگاه نمی‌شود و سایر بخش‌ها نیز درگیر این قضیه می‌شوند وقتی می‌توان در سطح بین‌المللی حرفی برای گفتن داشت و دانشی را که استادان و دانشجویان ما گرد آورده‌اند را ارائه و از دانش روز هم بهره گرفت که در سطح حکومتی نیز به نوعی تقسیم کار ملی وجود داشته باشد».

۵-۳-۲ گشودگی سیاسی-فرهنگی

مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند یکی از مواردی که منجر به اتخاذ سیاست فرهنگی مناسب در ارتباط با بین‌المللی شدن دانشگاه‌های کشور می‌شود باز بودن فضای سیاسی و فرهنگی کشور است. مصاحبه‌شونده شماره ۷: «شرایط سیاسی جدید شکل گرفته در حوزه بین‌الملل باعث شده که میزان همکاری‌های دو و چندجانبه زیاد شود و تجربیات کشورهای دیگر به راحتی برای استفاده در دسترس قرار گیرد».

۵-۳-۳ انعطاف ساختار مدیریتی

مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند با توجه به اینکه نظام آموزش عالی در کشور از بالا به پایین است باید مدیران برای پیشبرد بین‌المللی شدن از انعطاف‌پذیری برخوردار باشند. مصاحبه‌شونده شماره ۳: «تغییر نگرش در مدیریت با آگاه‌سازی و آموزش، بازدیدهای متفاوت و نشان دادن مزایا و امتیازاتی که دارد بر حرکت بین‌المللی شدن دانشگاه‌های کشور تأثیر دارد».

ایران با توجه به اینکه تمام نهاد آموزش عالی به نحوی در حیطه نظارت دولت قرار دارد بنابراین نخستین گام هر تغییری در نهاد آموزش عالی کشور باید از حکومت آغاز شود.

سطح نظام آموزش عالی دربرگیرنده مؤلفه‌هایی است که شرایط دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را برای بین‌المللی شدن آماده می‌کند و نمونه آزمایشی و مجری سیاست‌های فرهنگی بین‌المللی شدن است. دانشگاه با اجرای سیاست‌های در نظر گرفته شده، آمادگی فرهنگی بین‌المللی شدن را در درون و برون خود ایجاد می‌کند. دانشگاه در واقع نقش انتقال سیاست‌ها را به محیط داخلی و خارجی خود بر عهده دارد که بازخورد آنها نیز هم در این دو محیط و هم بعدتر در بازبینی سیاست حکومت قابل مشاهده است.

مطابق شکل ۱، ارتباط سطوح سیاست فرهنگی بین‌المللی شدن آموزش عالی به شکلی زنجیروار و پیوسته است. به این معنی که عدم اتخاذ سیاست فرهنگی در هر یک از سطوح مذکور منجر به عدم دستیابی سریع و جامع به هدف بین‌المللی شدن آموزش عالی می‌شود.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

کشورهای مختلف برای رسیدن شرایط دانشگاه‌های خود به سطح بین‌المللی از سیاست‌های مختلفی استفاده کرده‌اند. با بررسی شرایط فعلی دانشگاه‌های کشور به نظر می‌رسد که سیاست مشخصی در ارتباط با بین‌المللی شدن وجود نداشته و این موضوع هنوز به طور جدی در زمره اولویت‌های سیستم آموزش عالی کشور قرار نگرفته و تنها برخی دانشگاه‌های کشور برنامه‌هایی پراکنده را در راستای بین‌المللی شدن اجرا کرده‌اند. چنین مسئله‌ای این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که چگونه می‌توانیم سیاست بین‌المللی شدن آموزش عالی را در دانشگاه‌های کشور اجرا کنیم؟ مقاله حاضر درصدد بوده با اتخاذ رویکردی کیفی پاسخی برای این سؤال ارائه دهد. یافته‌های به دست آمده نشان داد برای اینکه بتوان بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران را تسریع و تسهیل کرد باید در چهار سطح حکومت، محیط داخلی (فرهنگ ملی)، محیط بین‌الملل و نظام آموزش عالی به اتخاذ سیاست‌های فرهنگی در این سطوح پرداخت. این چهار سطح مجموعاً شانزده مؤلفه را دربرمی‌گیرد.

بین‌المللی را برای تسهیل روند بین‌المللی شدن داشته باشیم. مصاحبه‌شونده شماره ۱۲: «دانشگاه اگر بخواهد به حیات خود ادامه دهد باید به سمت بین‌المللی شدن پیش برود. اگر بخواهیم دانشجو بگیریم و فضای دانشگاه بین‌المللی باشد باید زیرساخت‌هایش از خوابگاه تا سایر نهادهای دانشگاه فراهم شود. باید فرهنگ عمومی دانشگاهی را ترویج کنیم».

۵-۴- استقلال دانشگاهی

این مؤلفه که مصاحبه‌شوندگان بر آن تأکید داشتند در واقع پررنگ بودن نقش دانشگاه به عنوان مکان اصلی برای بین‌المللی شدن آموزش عالی است و مصاحبه‌شوندگان بر واگذاری اختیارات بیشتر به دانشگاه‌ها در سیاست‌سازی تأکید داشتند. برای مثال مصاحبه‌شونده شماره ۲: «دولت تاکنون از ظرفیت فوق‌العاده برجسته‌ای که در زمینه بین‌المللی شدن دارد چندان به نفع این فرآیند استفاده نکرده، نقش دولت خیلی مثبت ارزیابی نمی‌شود و بهتر است به دانشگاه‌های کشور در این موضوع استقلال بیشتری داده شود».

۵-۵ جمع‌بندی یافته‌ها

جمع‌بندی موارد فوق در جدول ۳ ارائه و الگوی مفهومی نهایی نیز مطابق شکل ۱ تدوین شد.

سطح محیط بین‌الملل دربردارنده عواملی است که برخی از آنها به طور اجتناب‌ناپذیری محیط داخلی را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر این سطح، مؤلفه‌ای است که در تصمیم سیاست‌گذاران حکومت برای تعریف سیاست فرهنگی بین‌المللی شدن تأثیر می‌گذارد. شرایط سیاسی و روابط بین‌الملل می‌تواند در تصمیم سیاست‌گذاران کشور برای همکاری علمی یا پذیرش دانشجو از یک کشور مؤثر باشد. از سویی دیگر سیاست‌های فرهنگی اتخاذشده می‌تواند اثرات مستقیم و غیرمستقیمی بر محیط بین‌الملل داشته باشند. سطح محیط داخلی (فرهنگ ملی) به مؤلفه‌هایی اشاره دارد که پذیرش بین‌المللی شدن در جامعه را تسهیل و تسریع می‌کند. در این چارچوب سیاست‌هایی که شکل می‌گیرد باید با فرهنگ داخلی و ارزش‌های بومی منطبق بوده و خلاف مصلحت عمومی جامعه نباشد.

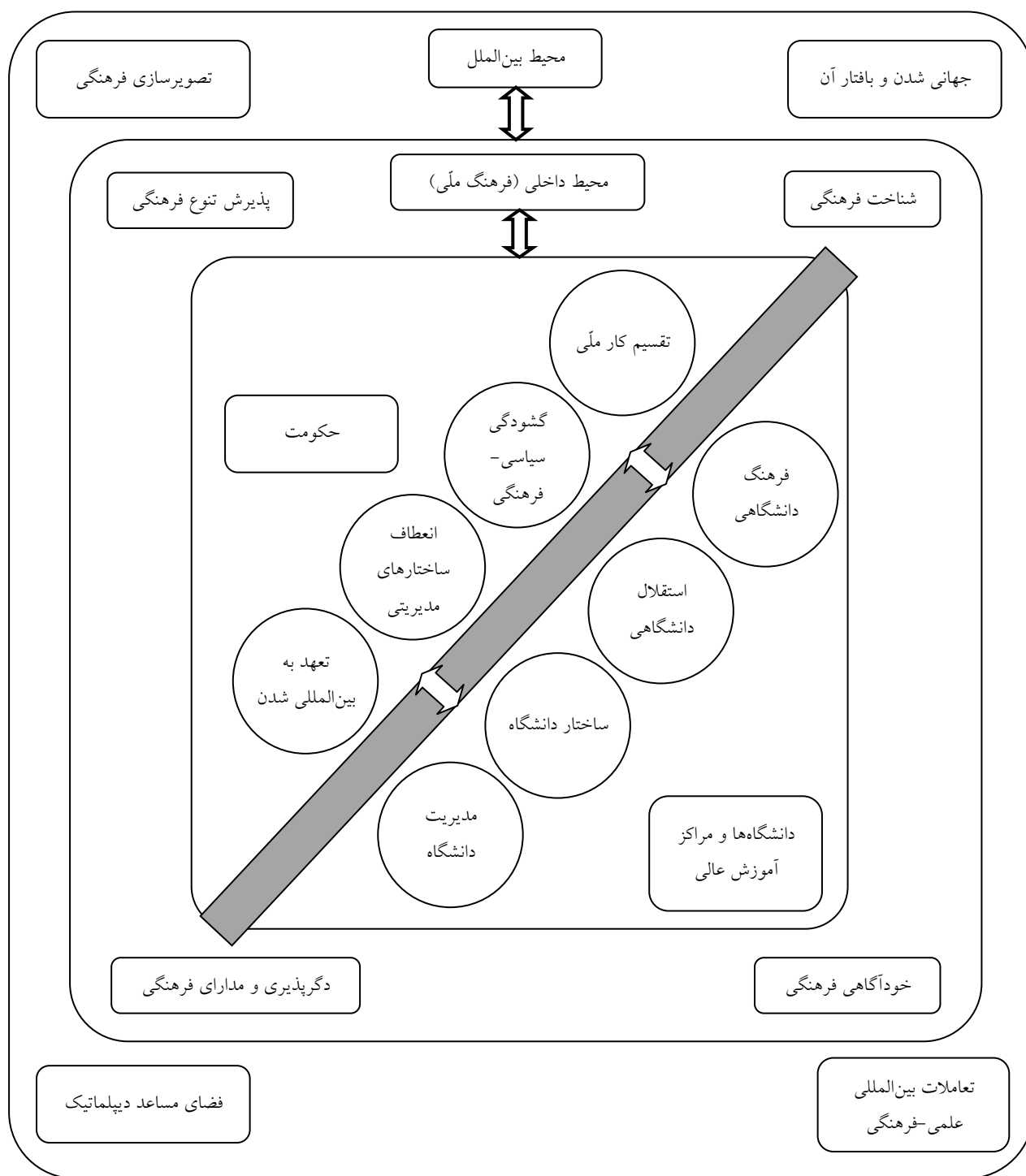
سطح حکومت (حکمرانی) به مؤلفه‌های مرتبط با حکومت به عنوان تنها نهاد سیاست‌گذار و مرجعی که قدرت رسمی شکل‌گیری و اجرای یک سیاست را دارد اشاره می‌کند. در

جدول ۳) کدهای باز و مقوله‌های مربوط به سیاست فرهنگی بین‌المللی شدن آموزش عالی

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	نمونه‌هایی از کدهای باز استخراج شده
محیط بین‌الملل	جهانی شدن و بافتار آن	جهانی شدن و ارتباطات، عامل مهم دسترسی به دانش و فرهنگ‌ها / جهانی شدن و بافتار آن عامل بین‌المللی شدن دانشگاه / غیرقابل اجتناب بودن بین‌المللی شدن دانشگاه در اثر پدیده جهانی شدن
	تعاملات علمی - فرهنگی بین‌المللی	شکل‌گیری ضرورت تعاملات بین‌الملل برای توسعه آموزش عالی / داشتن رابطه علمی و فرهنگی با ملل مختلف / داشتن دید مثبت در ارتباط با همکاری‌های علمی بین‌المللی
	فضای مساعد دیپلماتیک	نقش ارتباطات کشورها در گسترش بین‌المللی شدن / ایجاد فضای مناسب در سطح بین‌الملل / تأثیر دیپلماسی موفق با کشورها در تسریع بین‌المللی شدن
	تصویرسازی فرهنگی-علمی	بین‌المللی شدن به عنوان رکنی از دیپلماسی عمومی / معرفی دانش برخاسته از فرهنگ، سنت و هویت خود در عرصه بین‌الملل / ایجاد وجهه بین‌المللی در اثر بین‌المللی شدن دانشگاه
محیط داخلی (فرهنگ ملی)	خودآگاهی فرهنگی	آگاه بودن نسبت به فرهنگ بومی خود / بنا نهادن بین‌المللی شدن بر اساس الگوی فرهنگی بومی / استفاده از پیشینه تاریخی-فرهنگی در بحث بین‌المللی شدن دانشگاه‌های کشور
	شناخت فرهنگی	آگاه بودن نسبت به تفاوت فرهنگی کشورها / عدم شناخت کشورها، اساتید و دانشجویان مانع مهم فرهنگی در زمینه بین‌المللی شدن / آموزش تجربه‌های بین‌المللی به دانشجویان و اساتید جهت آشنایی با فرهنگ‌ها
	پذیرش تنوع فرهنگی	ایجاد تنوع فرهنگی از طریق تناسب در جذب دانشجویان از ملیت‌های مختلف / برگزاری مراسم فرهنگی دیگر کشورها برای گسترش تنوع فرهنگی
	دیگرپذیری و مدارای فرهنگی	شکل‌دهی مدارای فرهنگی در سطوح مختلف اجتماعی / تقویت مدارای فرهنگی در جامعه با ایجاد فضای مساعد سیاسی بین‌المللی / آموزش مدارای فرهنگی در مدارس و تسری آن به جامعه
حکومت	تقسیم کار ملی	هم‌افزایی در زمینه بین‌المللی شدن با هماهنگی نهادهای حکومتی / لزوم هماهنگی بخش‌های مختلف در روند بین‌المللی شدن / اجرای بهتر روند بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها با تقسیم کار بین نهادهای مختلف
	گشودگی سیاسی-فرهنگی	تأثیر فضای باز سیاسی بر تسهیل بین‌المللی شدن / باز بودن فضای فرهنگی داخلی جهت پذیرش ظرفیت فرهنگ بین‌المللی شدن / رفع پیش‌زمینه‌های ذهنی منفی در خصوص بین‌المللی شدن با گشایش سیاسی-فرهنگی در جامعه
	انعطاف ساختارهای مدیریتی	اجازه دادن به مدیران برای داشتن ابتکار سازمانی / رفع قوانین و بروکراسی‌های مانع ابتکارات مدیریتی / شناسایی و رفع موانع ساختاری بین‌المللی شدن
	تعهد به بین‌المللی شدن	التزام حکومت برای اولویت دادن به بین‌المللی شدن آموزش عالی / استفاده دولت از ظرفیت خود در مسیر بین‌المللی شدن / ایفاء نقش حمایتی دولت
دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی	ساختار دانشگاه	بازنگری در ساختارهای بین‌الملل دانشگاه / هماهنگی ساختاری معاونت‌ها و نهادهای درون‌دانشگاهی با دفتر همکاری‌های بین‌الملل / بازنگری در ساختارهای دانشگاه با توجه به نوظهور بودن بین‌المللی شدن
	مدیریت دانشگاه	تغییرات بینشی و روشی در مدیران دانشگاه / جایگزینی نگاه سطحی و آماری مدیران به بین‌المللی شدن با نگاه عمیق و راهبردی / تغییر نگرش مدیریتی با آگاه‌سازی، آموزش و بازدید
	فرهنگ دانشگاهی	توجه به مسائل فرهنگی در تمام فضای دانشگاه / فرهنگ‌سازی تعهد به خدمت صادقانه در دانشگاه / ترویج فرهنگ سازمانی مناسب برای کارکنان و دانشجویان دانشگاه
	استقلال دانشگاهی	توجه به استقلال نهادهای آموزش عالی در ارتباط با بین‌المللی شدن / مشخص کردن چارچوب فرهنگ و دادن استقلال به دانشگاه‌ها در قالب آن برای تعاملات فرهنگی / دادن استقلال به دانشگاه برای تبدیل ظرفیت‌های بالقوه به بالفعل

خود را با قسمتی که هم‌تراز اهداف و راهبردهای جهانی شدن است هم‌سو کنند. سیاست‌هایی که در سطح محیط بین‌الملل اتخاذ می‌شود باید چهار مؤلفه ذکر شده را در نظر بگیرد. جهانی شدن و بافتار آن به عنوان محرک بیرونی، نیاز به تغییر در نظام آموزش عالی یک کشور و به‌روزرسانی آن را بیدار می‌کند.

مؤلفه‌های سطح محیط بین‌الملل عبارت است از: جهانی شدن و بافتار آن، تعاملات علمی-فرهنگی بین‌المللی، فضای مساعد دیپلماتیک و تصویرسازی فرهنگی-علمی. نتایج به دست آمده را می‌توان با یافته بارتل [۲] و پوردهقانی و همکاران [۳۲] هم‌راستا دانست. مطابق آن مطالعات، برای اینکه بین‌المللی شدن مؤثر باشد کشورها می‌بایست فرهنگ داخلی



شکل ۱) الگوی سیاست فرهنگی بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران

گسترده است که تصویرسازی فرهنگی یک کشور مطرح می‌شود. در سایه بهبود تصویر بین‌المللی کشور دانشگاه‌ها می‌توانند به جذب دانشجویان خارجی و همچنین معرفی مستقیم و غیرمستقیم ابعاد فرهنگی خود در محافل علمی بین‌المللی بپردازند.

در خصوص مؤلفه‌های سطح محیط داخلی (فرهنگ ملی)، یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های یانگ [۲۶]، سمیر

تقویت مؤلفه تعاملات علمی-فرهنگی بین‌الملل باعث می‌شود دانشگاه‌ها از تجارب، استراتژی‌ها و راهبردهایی که دانشگاه‌های دیگر کشورها برای بین‌المللی شدن به کار می‌برند استفاده کنند. فضای مساعد دیپلماتیک می‌تواند تعاملات علمی-فرهنگی مذکور را گسترش دهد چرا که کشوری که در محیط بین‌الملل دیپلماسی موفق دارد ارتباطات بین‌الملل او هم بیشتر است و در سایه این ارتباطات

ملی برای اجرای سیاست‌ها می‌نماید. برای مثال از توان وزارتخانه‌های خارجه، اطلاعات و علوم و همچنین شهرداری‌ها و سازمان گردشگری استفاده نماید. انعطاف مدیریتی نیز به تغییر تفکر سیاست‌گذاران حکومتی و توانایی حل تناقضات ساختاری و فرهنگی که در پی بین‌المللی شدن ممکن است رخ دهد بازمی‌گردد.

نتایج این پژوهش برای سطح نظام آموزش عالی با پژوهش‌های آگنو و وانبالکوم [۲۰] و اسماعیل‌نیا [۳۵] که بر ضروری بودن نقش دانشگاه در فرآیند بین‌المللی شدن تأکید کرده‌اند هم‌سوست. این سطح که بین‌المللی شدن اثری مستقیم بر آن دارد نقطه مرکزی سیاست‌های اتخاذشده حکومت برای بین‌المللی شدن دانشگاه‌های کشور است. برای اینکه بتوان در این سطح به بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها دست یافت ابتدا دانشگاه‌ها باید در جهت اعمال استانداردهای بین‌المللی شدن تغییراتی در ساختارهای خود بدهند. مؤلفه‌های ساختار در علم مدیریت شامل تمرکز و عدم تمرکز، رسمیت و پیچیدگی (نقطه مقابل سادگی) است. در این ساختار اگر تمرکز، رسمیت و پیچیدگی بالا باشد می‌تواند مانع بین‌المللی شدن شود. در نقطه مقابل، ساختاری می‌تواند تسهیل‌کننده باشد که تمرکز، رسمیت و پیچیدگی آن کم باشد. سازمان‌های عمودی با ساختار سلسله‌مراتبی و لایه‌های متعدد نمی‌توانند روند بین‌المللی شدن را تسهیل کنند. مؤلفه دیگر این سطح مدیریت دانشگاه است. رئیس دانشگاه باید تفکر بین‌المللی داشته باشد و هدفش رسیدن به یک دانشگاه بین‌المللی باشد. تغییر روش و بینش مدیریت دانشگاه از ضروریات بین‌المللی شدن است. مؤلفه فرهنگ از ساختار اداری دانشگاه شروع می‌شود و باید در جزئی‌ترین مسائل دانشگاهی هم نمود پیدا کند. سیاست فرهنگی همه اجزاء دانشگاه یعنی کلاس‌ها، اساتید، دانشجویان، خوابگاه و ... را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مؤلفه دیگر این سطح، دادن اختیار به دانشگاه‌ها معادل داشتن نوعی استقلال در سیاست‌گذاری برای دستیابی به استراتژی متناسب هر دانشگاه در زمینه بین‌المللی شدن است. تجربه اکثر دانشگاه‌های کشورهای اروپایی و مدل‌هایی که برای بین‌المللی شدن ارائه شده به نقش استقلال دانشگاه و تفویض اختیار لازم در این زمینه و توجه به درخواست‌های سیاست‌گذاران آنها تأکید دارد.

[۸]، بارتل [۲]، چان و دیموک [۲۹]، نظرزاده زارع و دیگران [۳۷] و اباضلت خراسانی [۳۸] هم‌سو است. مطالعات مذکور توجه به فرهنگ محیطی و نهادی را مطرح و بیان داشته‌اند که مشکلات فرهنگی ناشی از بین‌المللی شدن برای محیط داخلی را باید با مهیا کردن شرایط و تقویت فرهنگ ملی رفع نمود. در سیاست‌گذاری کامل در حوزه محیط داخلی ابتدا باید به خودآگاهی فرهنگی توجه کرد. این مقوله باعث می‌شود با اطلاع از فرهنگ بومی خود به موضوع بین‌المللی شدن آموزش عالی پرداخته شود به این معنا که با خودآگاهی دچار خودباختگی فرهنگی (که همراه فرآیند بین‌المللی شدن ممکن است پدید آید) نخواهیم شد. شناخت فرهنگی نیز از جمله سیاست‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرد چرا که در بین‌المللی شدن ما با تنوع فرهنگی و فرهنگ‌های مختلف مواجه هستیم و بنابراین باید تنوع فرهنگی را مورد پذیرش قرار دهیم که این مستلزم شناخت فرهنگ‌ها است. پذیرش تنوع فرهنگی زمانی مقدور است که ما در کنار آن سیاست مدارای فرهنگی را هم در سطح داخلی اجرا و ظرفیت پذیرش اندیشه‌های مختلف و متفاوت در جامعه را ترویج کنیم. در این سطح هدف از مؤلفه‌های سیاستی مذکور این است که شرایط جامعه را برای پذیرش بین‌المللی شدن دانشگاه آماده کرده و در این فرآیند فرهنگ ملی نقشی تسهیل‌کننده و نه تهدیدکننده داشته باشد.

نتایج مرتبط با سطح حکومت از این پژوهش با پژوهش‌های آگنو و وانبالکوم [۲۰] و نادری و اسماعیل‌نیا [۳۵] که دولت را بهترین محرک بین‌المللی شدن می‌دانند و به نقش آن در راهبرد بین‌المللی شدن تأکید دارند هم‌سو است. این سطح از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و بین‌المللی شدن زمانی مؤثر است که حکومت به گشودگی سیاسی-فرهنگی تمایل داشته باشد. با بسته بودن فضا، بین‌المللی شدن تعامل و تبادل فرهنگ‌ها محقق نمی‌شود. نکته دیگری که در این سطح مطرح می‌شود تعهد به بین‌المللی شدن است. حکومت باید خود را ملزم بداند که به صورت مداوم و پیوسته این سیاست را اجرا و آن را جزء اولویت‌های خود قرار دهد. تقسیم کار ملی، هنر حکومت برای بکارگیری نهادهای دخیل در سیاست فرهنگی بین‌المللی شدن است. حکومت برای اینکه در اجرای سیاست‌ها به نتایج مطلوب خود دست یابد اقدام به تقسیم کار

صورت یک مجموعه به هم پیوسته و پویا در نظر گرفته شود و سیاست‌گذاران این حوزه با در نظر داشت همه آن سطوح به تصمیم‌سازی در این زمینه پرداخته و شرایط فرهنگی پذیرش بین‌المللی شدن را در دانشگاه‌های کشور و محیط داخلی آماده کنند. بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران فرآیندی نیست که در حلال یک سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان رشد کند و با توجه به ویژگی و شرایط جدیدی که از لحاظ روابط سیاسی کشورمان ایجاد شده باید بتوان از این فرآیند با تمام توان حمایت و از نتایج آن استفاده کرد. وضع سیاست فرهنگی برای بین‌المللی شدن آموزش عالی، از یک طرف شرایط تسریع و تسهیل این فرآیند را برای کشور فراهم می‌کند و از سویی دیگر از تضادها و تقابلات فرهنگی احتمالی آتی برای دانشگاه‌ها و دیگر سطوح جامعه که طی این فرآیند در آینده ممکن است شکل گیرد جلوگیری می‌کند. سیاست فرهنگی امتداد سیاست عمومی است و بنابراین به منظور تدوین آن می‌بایست مجدداً با رویکردی سیستمی و کل‌گرا سایر ابعاد تأثیرگذار سیاست عمومی را دستکاری و مورد بازبینی قرار داد. همان‌گونه که یافته‌های کیفی هم نشان دادند ارتقاء سیاست فرهنگی برای بین‌المللی شدن در غیاب گشودگی ساختارها^۱ و تعهد مدیران^۲ غیرممکن است.

References

- [1] DeWit, H. (1995). **Strategies for the internationalization of higher education; a comparative study of Australia, Canada, Europe, and the United States of America.** Westport, CT: Greenwood Press, 16-17.
- [2] Bartell, M. (2003). **Internationalization of Universities: A University Culture-Based Framework.** *Higher Education*, (45)1, 43-70.
- [3] *OECD*. (1999). **Quality and Internationalization in Higher Education.** Paris: *OECD publishing*, 20-29.
- [4] DeWit, H. (2010). **Internationalisation of Higher Education in Europe and its assessment, trends and issues.** *Nederlands-Vlaamse Accreditat organisatie (nva)*, 1-28. Retrieved from: <https://www.nva.org/system/files/pdf/Internationalisation%20of%20Higher%20Education%20in%20Europe%20Hans%20de%20Wit%202010.pdf>
- [5] Vander Wende, M. C. (2007). **Higher Education Institutions' Responses to Europeanisation, Internationalisation and Globalisation. Developing International Activities in a Multi-Level Policy Context HEIGLO.** Belgium: *European communities*,

سیاست‌هایی که در زمینه بین‌المللی شدن آموزش عالی کشورمان اتخاذ شده بعضاً شتاب‌زده، منقطع و ناقص بوده‌اند. فقدان سیاستی جامع که ناشی از عدم دغدغه و اهتمام کامل سیاست‌گذاران نظام آموزش عالی به این مسئله است نتیجه‌ای جز عدم دستیابی و بهره‌مندی از مزایای بین‌المللی شدن را برای کشور به همراه نداشته است. نمونه آن را می‌توان در تقلیل بین‌المللی شدن آموزش عالی به جذب دانشجوی خارجی در بسیاری از سیاست‌هایی که وضع شده مشاهده کرد. بین‌المللی شدن آموزش عالی یک نوع اکوسیستم است. اکوسیستم انسانی به عنوان یک سیستم منسجم شامل عوامل زیستی، فیزیکی و اجتماعی که قادر به انطباق و تداوم در طول سال‌ها باشد تعریف شده [۳۹] و به عنوان یک چارچوب سازمان‌دهنده مناسبات اجتماعی استفاده می‌شود. کارکرد رویکرد اکوسیستمی با تشریح مساعی فراهم می‌آید تا در برابر مشکلات و موضوعات پیچیده مرتبط با محیط و منابع که به صورت مجزا نمی‌توان با آنها روبرو شد از طریق تعامل اجزاء اکوسیستم بتوان موضوعات و مشکلات را رفع و رجوع کرد [۴۰].

این اکوسیستم از خرده‌سیستم‌هایی سیاسی، حقوقی، آموزشی، مدیریتی و فرهنگی که بخش عمده آن را دربرمی‌گیرد تشکیل شده است. هر بخش این اکوسیستم یک واحد جداافتاده از سایر اجزاء نبوده بلکه با بقیه اجزاء در هم تنیده شده و کارکرد مطلوب آن نیز صرفاً در نتیجه تعامل فعال اجزاء آن ممکن است. در ایران اکوسیستم مساعد بین‌المللی شدن وجود ندارد و خرده‌سیستم‌های موجود در این اکوسیستم به صورت مجزا و جداگانه فعالیت دارند و زیرساخت‌های لازم برای تعامل فعال اجزاء آن نیز فراهم نیست. همان‌طور که گفته شد خرده‌سیستم فرهنگ بخش عمده‌ای از اکوسیستم بین‌المللی شدن را شامل می‌شود. نقصان این خرده‌سیستم در موضوع بین‌المللی شدن آموزش عالی ایران، خود را با عدم تسریع و تحقق کامل اکوسیستم بین‌المللی شدن نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های پژوهش برای اینکه بتوان بین‌المللی شدن آموزش عالی را در کشور با موفقیت اجرا کرد نیاز به اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌های فرهنگی در چهار سطح مورد بحث داریم. سیاست فرهنگی بین‌المللی شدن آموزش عالی در کشورمان زمانی اثربخش است که هر چهار سطح به

1- Openness
2- Commitment

- impacting cultural readiness for organizational change.** *Intercultural Education*, 20(5), 451-462.
- [21] Salehi Amiri, R., & Dolatabadi, A. (2008). **Globalization & cultural policy of Iran.** *Quartely of Matin*, 41, 70-93. {In Persian}.
- [22] Ahearne, J. (2009). **Cultural policy explicit and implicit: a distinction and some uses.** *International Journal of Cultural Policy*, 15(2), 141-153.
- [23] Ebrahim Abadi, H. (2015). **Cultural policy of higher education: Idea, Experience & Action.** Tehran: *Institute for Social and Cultural Studies*. {In Persian}.
- [24] Khorsandi taskoh, A. (2016). **International higher education: strategies & possibilities.** Tehran: *Institute for Social and Cultural Studies*. {In Persian}.
- [25] Lumby, J., & Foskett, N. (2015). **Internationalization and Culture in Higher Education.** *Educational Management Administration Leadership*, 44(1), 95-111.
- [26] Quiang, Z. (2003). **Internationalization of Higher Education: Towards a Conceptual Framework.** *Policy Futures in Education*, 1(2), 248-270.
- [27] Proglar, J. (2014). **Internationalization and Cultural Diversity in Higher Education: mutual understanding.** *Ritsumeikan International Affairs*, 12, 61-82.
- [28] DeWit, H., & Bradenburg, J. (2015). **End of internationalization.** *International Higher Education*, 62, 15-17.
- [29] Chan, W., & Dimmock, C. (2008). **The internationalization of universities: Globalist, internationalist and translocalist models.** *Journal of research in International Education*, 7(2), 184-203.
- [30] Stier, J. (2006). **Internationalisation, intercultural communication and intercultural competenc.** *Journal of Intercultural Communication*, 11, 1-12.
- [31] Zaker salehi, G. (2014). **Research project of studying and developing a strategy for attracting foreign students to Iran for a vision document 1404.** *Institute for Research and Planning for Higher Education*, 13-14. {In Persian}.
- [32] Pourdehghani, G., Liaghatdar, A., & Jafari, M. J. (2011). **An Analysis of the Localization and Internationalization of the Universities Curriculum in the Age of Globalization.** *Cultural Studies of Iran*, 4(4), 1-24. {In Persian}.
- [33] Morshedi, A., & Khalaj, H. (2013). **Evaluation of Cultural Policies of Higher Education in the Country.** *Quarterly of Social Development & Welfare Planning*, 5(14), 107-143. {In Persian}.
- [34] Gourchian, N., Arasteh, H. R. & Jafari, P. (2004). **Encyclopedia of Higher Education.** Tehran: *Farsi Encyclopedia Foundation*. {In Persian}.
- [35] Naderi, A., & Ismailniya, N. (2011). **The internationalization of Higher Education and the Promotion of Academic Quality.** Collection of Articles of the Fifth Quality Assessment Conference in the Academic System. *University of Tehran*, 1-16. {In Persian}.
- [36] Fathi Vajargah, C., Zare, O., & Yemeni, M. (2009). **Examination of International Barriers to** 20-80. Retrieved from: http://cordis.europa.eu/docs/publications/1001/100124101-6_en.pdf
- [6] Altbach, P. G. (2015). **Perspectives on Internationalizing Higher Education.** *International higher education*, 27, 6-8.
- [7] Altbach, P. G. (2014). **Trends in Global Higher Education: Tracking an Academic Revolution.** (M. Saeidi, & P. Khanlo, Trans.). Tehran: *Institute for Research & Planning in Higher Education*. {In Persian}.
- [8] Samier, E. (2015). **The Globalization of Higher Education a Societal and Cultural Security Problem.** *Policy Futures in Education*, 13(5), 683-702.
- [9] Fazeli, N. (2004). **Globalization and Higher Education: Global Trends in the Institution of Higher Education and the Status of Higher Education in Iran.** *Journal of social science of Allameh Tabataba'i University*, 25, 2-41. {In Persian}.
- [10] Dewit, H., Hunter, F., Howard, L., & Egron, E. (2015). **Internationalization of higher Education.** Brussels, Belgium, European Parliament: *Policy Department B: Structural Cohesion Policies*, 41-48.
- [11] Isserstadt, W., & Schnitzer, K. (2005). **Internationalization of higher Education: foreign student in Germany.** *German Federal ministry of education and research*, 1-8.
- [12] German Federal ministry of education and research. (2008). **Strategy of the Federal Government for the Internationalization of Science and Research.** 1-116. Retrieved from: https://www.bmbf.de/pub/Internationalization_Strategy.pdf
- [13] Neubauer, D. (2015). **The internationalization of Chinese Higher education.** *The CHEA International Quality Group publication series*, 1-12.
- [14] Retrieved March 23, 2017, from <http://www.jetprogramme.org/>
- [15] Hosseini Moghadam, M. (2014). **Globalization of higher education & future of university in Iran: political Aspect.** Ferdowsi University of Mashhad: 6th International Conference of Developing International Higher Education: Opportunities & Challenges. 33-55. {In Persian}.
- [16] Zaker salehi, G., & Salehi Najafabadi, M. (2011). **Presenting strategies for attracting foreign students.** *Journal of Iranian higher education*, 4(3), 65-92. {In Persian}.
- [17] Imam Khomeini University. (2016). **Experiences of international university in Iran: achievement, issues & perspectives.** Pre-conference of future study of higher education in Iran. 1-15. Retrieved from: www.fshei.ir/files_site/files/r_5_160402112344.pdf {In Persian}.
- [18] Shannon, W. (2009). **National Policies for the Internationalizations of Higher Education in New Zealand: A Comparative Analysis.** Thesis Masters of Arts in the University of Canterbury. 24-26.
- [19] Kehm, B., & Teichler, U. (2007). **Research on Internationalizations in Higher Education.** *Journal of studies in international education*, 11(3), 221-233.
- [20] Agnew, M., & Vanbalkom, D. (2009). **Internationalization of the university: factors**

University. {In Persian}.

[39] Machlis, G. E., Force, J. E., & Burch Jr, W. R. (1997). **The human ecosystem part I: the human ecosystem as an organizing concept in ecosystem management.** *Society & Natural Resources*, 10(4), 351.

[40] Marcotullio, P. J., & Boyle, G. (2003). **Defining an ecosystem approach to urban management and policy development.** Tokyo: *UNU-IAS (United Nations University Institute of Advanced Studies) Report*. 16.

Curriculum of Universities and Higher Education Institutions in the Viewpoint of Faculty Members. *Quarterly Journal of Research and Planning of higher education*, 54, 63-82. {In Persian}.

[37] Nazarzadeh Zare, M., Pourkarimi, M. J., & Zaker-Salehi, G. (2016). **Presentation of a model of competency of faculty members in international interactions: a phenomenological study.** *Quarterly Journal of Science and Technology*, 8(3), 25-38. {In Persian}.

[38] Khorasani, A. (2016). **Internationalization of higher Education.** Tehran: *Shahid Beheshti*

پیوست

مشخصات مصاحبه‌شوندگان پژوهش

رشته و مقطع تحصیلی	سمت	کد مصاحبه‌شونده
دکتری روابط بین‌الملل	مدیر دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه	۱
دکتری روابط بین‌الملل	رئیس دانشکده	۲
دکتری آینده‌پژوهی	مشاور معاون بین‌الملل دانشگاه	۳
دکتری جریان‌شناسی اسلامی	مشاور رئیس جامعه‌المصطفی	۴
دکتری مهندسی نیروگاه	مدیر دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه	۵
دکتری بیوشیمی	مدیر دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه	۶
کارشناسی ارشد شیمی	مدیر دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه	۷
کارشناسی ارشد زبان انگلیسی	مدیر دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه	۸
کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل	کارشناس اداره امور ایرانیان	۹
دکتری اقتصاد	معاون بین‌الملل دانشگاه	۱۰
کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل	رئیس اداره آموزش وزارتخانه	۱۱
دکتری روابط بین‌الملل	مشاور رئیس مرکز همکاری‌های علمی و بین‌الملل	۱۲
دکتری روابط بین‌الملل	معاون اداره آموزش وزارتخانه	۱۳

The Model of Internationalization of Higher Education from Cultural Policy Perspective

**Mohammad Nikbin^{1*},
Golamreza Zaker-salehi², Reza Mahozi³**

1- Ph.D Candidate of Cultural Policy, Institute for
Social and Cultural Studies, Tehran, Iran

2- Associate Professor, Institute for research and
Planning in Higher Education, Tehran, Iran

3- Assistant Professor, Institute for Social and Cultural
Studies, Tehran, Iran

Abstract

Internationalization of higher education is one of the issues that attracted the attention of universities and higher education institutions in Iran. They are trying to use the benefits and advantages of this process to develop their scientific capacities through the policies that they adopt. Nowadays, this issue is interested to policy makers in the country's education system from different perspectives. The purpose of this article is to present a model that considers internationalization as a cultural policy. To achieve this goal, a qualitative descriptive-exploratory method has been used. The research population includes international managers of universities and experts in the field of internationalization of higher education in the country. Using a stratified sampling method, thirteen individuals were selected as the participants of the study. The research tool, semi-structured interview and data analysis method were inductive content analysis of the type of analysis of the content. To ensure the validity of the research data, two methods were reviewed by the collaborators in the research and review by professors and higher

education professionals. Out of 130 open source extracts from interviews, the findings of this study represent a four-dimensional model whose dimensions are: governance, the international environment, the domestic environment (national culture) and universities and higher education institutions. In each case, there should be good policies adopt.

Keywords: Higher Education,
Internationalization, Policy Making, Cultural
Policy

* Corresponding author: m.mikbin66@gmail.com